

مقایسه تطبیقی وهابیت سعودی و گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی(ره) با صلح و امنیت بین‌المللی

رضا سیمبر^۱

سعید ساکی^۲

سیده هاله مهدی زاده^۳

چکیده

یکی از معضلات بزرگ امنیت بین‌الملل، پدیده تروریسم است که حیات انسان‌ها و روابط میان ملت‌ها را در معرض خطر جدی قرار داده است. در عصر حاضر، جهان اسلام نیز با مسئله رشد جریان تروریسم مواجه است که برخاسته از تعالیم وهابیت و به نام سلفی‌گری سبب کشتار انسان‌ها شده است. کشور عربستان با استعانت از مبانی نظری و مفاهیم کلامی وهابیت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین واحدهای حامی تروریسم و به تأسی از آن به‌عنوان اخلاص‌گر نظم بین‌الملل شناخته می‌شود. در مقابل گفتمان وهابیت، گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی(ره) قرار دارد که با استفاده از مبانی اصیل اسلامی همواره در صدد بوده است تا صلح را از طریق شناسایی و از بین بردن عناصر ناامنی در سطح جهانی، جاری سازد. مسئله اصلی در این نوشتار این است که هر یک از دو گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی(ره) و گفتمان وهابیت، چه سهمی در تأمین یا تضعیف امنیت بین‌الملل را بر عهده داشته‌اند. فرضیه تحقیق را می‌توان بدین نحو طرح نمود که با توجه به ماهیت رادیکال و تکفیرگرایانه گفتمان وهابیت و استفاده از مفاهیمی چون جهاد ابتدایی در این گفتمان و حمایت‌های بی‌دریغ از گروه‌های تروریستی به‌عنوان بازوهای عملیاتی، وهابیت سعودی یکی از مهمترین عوامل ایجاد ناامنی در منطقه خاورمیانه و فراتر از آن بوده است. در مقابل، گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی(ره) با اصول و مفروضه‌های صلح طلبانه‌ای که در متن خویش دارد (نظیر مبارزه با تروریسم)، به‌عنوان یکی از مهمترین عناصر ایجاد کننده صلح و تأمین امنیت در سطح بین‌المللی بوده است.

کلید واژه‌ها: گفتمان امام خمینی (ره)، گفتمان وهابیت، امنیت، صلح.

Email: rezasimbar@hotmail.com

۱- استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول)

Email: saki.saeid@yahoo.com

۲- دانشجوی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان

Email: halehmehdizadeh70@gmail.com

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه گیلان

مقدمه

بررسی صلح و امنیت، ابعاد آن و همچنین پرداختن به این امر که چگونه می‌توان یک صلح پایدار را در ابعاد مختلف پیاده ساخت همواره از دل مشغولی‌های بشر بوده است. چرا که برای ایفای نقش در محیط آنارشیک و جهان منافع محور امروز صلح اصل اول و مبنای همه فعالیت‌های بشر است. تا صلح برقرار نشود و متعاقب آن امنیت به‌وجود نیاید فرصتی برای گفتگو و رشد باقی نمی‌ماند. اما ما صلح را نقطه مقابل جنگ نمی‌دانیم به گفته باروخ اسپینوزا صلح به معنی نبود جنگ نیست بلکه فضیلتی است که از نیروی جان مایه می‌گیرد و همان‌طور که آزادی به معنی زندانی نبودن نیست صلح هم به معنی نبود جنگ نیست (فلسفی، ۱۳۹۰: ۸).

یکی از مهمترین عناصر بر هم زنده صلح و امنیت بین‌المللی در جهانی کنونی گروه‌های تروریستی می‌باشند که عموماً برگرفته از اندیشه‌های سلفیسم وهابیت عربستان می‌باشند. تروریسم زمانی تنها در محیط علمی و در اسناد استراتژیک مطرح بود، اما اخیراً در واژگان روزمره ما حضور دارد (Giusto, 2016: 7). جریان وهابیت با انتساب خود به اسلام و قرآن، خطری جدی را متوجه دین و ارزش‌های اسلامی کرده است، به گونه‌ای که گویی اسلام مظهر خشونت و جنگ است. این مسئله شدیدترین تخریب تاریخی علیه اسلام را شکل داده، تمامیت امت اسلامی را تهدید می‌کند. کفر یکی از واژه‌های پرکاربرد این نوع تروریسم است؛ به گونه‌ای که مخالفان خود از جمله مسلمانان ناهمسو را به کفر متهم می‌کنند و در راه کشتن آنان قدم برمی‌دارند. به همین دلیل، به این نوع تروریسم، تروریسم تکفیری اطلاق می‌شود. این گفتمان تروریست پرور، انحصارطلبانه مدعی اسلامی است که همه چیز را جز خود، کافر می‌داند و روش تکفیری را مبنا قرار داده است. این روش برخلاف شیوه و اجماع همه علمای مذاهب اسلامی، عامه مسلمانان را به کوچک‌ترین و ساده‌ترین دلایل تکفیر می‌کند و جان، اموال، نوامیس و مقدرات مسلمانان را هدف خشونت خود قرار می‌دهد. تروریسم تکفیری در عصر کنونی، هم از نظر حوزه و گستره‌ی فعالیت و هم از نظر ویژگی‌های متمایز و فجیع آن بی‌سابقه است. ریشه‌های نظری این تروریسم به نوشته‌های برخی اندیشمندان سلفی، به‌ویژه اندیشه‌های وهابیت باز می‌گردد (حاجیان و شیرودی، ۱۳۹۳: ۴۹).

کشور عربستان براساس آموزه‌های گفتمان وهابیت، جهاد را امری مقدس می‌داند و پیروان این اندیشه، مطابق با آرا ابن تیمیه، قائل به جهاد عملی هستند؛ همین نکته توجیه‌تئوریک مناسب را در اختیار پیروان این مکتب قرار می‌دهد تا بتوانند اقدامات تروریستی خود را در قالب جهاد فی سبیل‌الله و با هدف قرب الی‌الله تفسیر کنند. حضور عربستان و حمایت از گروه‌های تروریستی در سوریه، یمن، مصر، بحرین و غیره سندی محکم در اثبات این ادعاست. در مقابل گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی(ره) قرار دارد که با تکیه بر مفاهیم و بنیان‌های اسلامی اصیل، دال‌هایی را در درون خود جای داده است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به سمت صلح و در نتیجه تأمین امنیت بین‌الملل سوق می‌دهد. مسأله اصلی که انگیزه نگارش این نوشتار بوده این است که گفتمان وهابیت در مقایسه با گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی(ره) چه سهمی از تأمین و یا تضعیف امنیت بین‌الملل را بر عهده دارند. در ادامه این تحقیق اشاره

خواهد شد که عربستان سعودی با حمایت‌های مادی و معنوی از گروه‌های تروریستی نظیر داعش، القاعده و طالبان، یکی از مهمترین کانون‌های ایجاد ناامنی در جهان محسوب می‌شود و تصویب قانون عدالت در برابر حامیان تروریسم از سوی ایالات متحده در رابطه با اقدامات تروریستی عربستان در ۱۱ سپتامبر، از جمله اسناد تأیید این مدعاست. در دیگر سوی گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی(ره) قرار دارد که با تکیه بر مفاهیمی چون صلح جهانی، حقوق بشر، حق حاکمیت واحدها و غیره همواره به مقابله با عناصر برهم زننده امنیت و نظم بین‌الملل برخاسته است. در ادامه به واکاوی مهم‌ترین بازتاب‌های این دو گفتمان بر امنیت بین‌الملل می‌پردازیم.

چارچوب نظری

بدون تردید برای شناخت بهتر پدیده‌ها و رخ داده‌های عرصه بین‌الملل، استفاده از یک چارچوب نظری مناسب که به تجزیه و تحلیل مسائل مطرح در این عرصه کمک کند، بسیار ضروری است. در یک دسته‌بندی کلی می‌توان نظریات را به سه دسته زیر تقسیم کرد:

۱- نظریات رهایی بخشی یا انقلابی (برخی از انواع فمینیسم، مارکسیسم، قرائت عملگرایانه و سیاسی از اسلام و...).

۲- نظریات حل المسائلی یا رفورمیستی (رتالیسم و شاخه‌های آن، لیبرالیسم و...).

۳- نظریات تفسیری (سازه‌انگاری و ... این‌گونه نظریات تلاش می‌کنند تا تفسیر صحیح‌تری از تعاملات بین‌المللی را به دست دهند).

با اینکه در نظریات رهایی بخشی اسلام تأکید بر حرکت و انتقال از وضع موجود (در چهارچوب رویکرد حل المسائلی)، به وضع مطلوب، (در چهارچوب رویکرد رهایی بخشی) می‌باشد و انسان را هم دارای هستی و وجود فیزیکی و هم موجودیت روحی و روانی می‌داند (سیمبر، ۱۳۹۴: ۹۳-۹۴). اما در خصوص تفسیر تأثیرات گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی(ره) و همچنین بازتاب‌های گفتمان وهابیت بر صلح و امنیت بین‌الملل، در این نوشتار از میان تئوری‌های مطرح در عرصه علوم سیاسی، برای درک بهتر مطلب از تئوری سازه‌انگاری که می‌تواند تبیین نسبتاً جامع‌تری نسبت به بقیه تئوری‌ها ارائه دهد، استفاده می‌کنیم. به‌رغم آنکه سازه‌انگاران طیف گسترده‌ای را تشکیل می‌دهند، اما غالب آنان به لحاظ هستی‌شناسی دیدگاه نزدیکی به هم دارند. مباحث هستی‌شناسی در محور دیدگاه سازه‌انگاران قرار دارد و می‌توان آن را بر حول سه محور خلاصه کرد:

توجه به ساختارهای اجتماعی و هنجاری در کنار عوامل مادی و معنا یافتن منابع مادی براساس این ساختارها و شکل دادن این ساختارها به هویت بازیگران. این ساختارهای اجتماعی با شکل دادن به هویت و منافع خاص، اعمال بازیگران را امکان‌پذیر می‌سازند (Wendt, 1995: 76)؛ تعامل متقابل ساختار^۱ و

کارگزار^۱ که این امر موجب ایجاد ساختارهای اجتماعی می‌شود که براساس آن هویت و منافع تعریف می‌شود.

در این بین یکی از مباحث محوری سازه‌انگاران هویت است. به اعتقاد ونت، هویت ویژگی خاص کنشگران نیت‌مند است که باعث تمایلات انگیزشی و رفتاری آنها است. هویت ریشه در فهم کنشگر از خود دارد. به هنگام بحث از هویت، دو انگاره باید مورد توجه قرار گیرد؛ انگاره «خود^۲» و انگاره «دیگری^۳». ساختارها و انگاره‌های درونی و بیرونی هر دو سازنده هویت‌ها هستند (Wendet, 1992: 398).

هویت‌ها بیان می‌دارند بازیگران چه کسانی هستند و بر این اساس چه منفعی دارند؟ هویت مرکز فهم رفتار دولت‌هاست. هویت‌ها با برداشت خاص از «خود» و «دیگری» موجب شناخت یکدیگر به‌عنوان دشمن، رقیب یا دوست است. این هویت‌ها خود از هنجارها ساخته می‌شوند. به اعتقاد سازه‌انگاران هویت‌ها و هنجارهای اجتماعی با روابط نهادینه شکل می‌گیرند و تغییر می‌کنند. دولت‌ها در تعامل با یکدیگر به‌طور دائم «خود» و «دیگری» را باز تعریف می‌کنند. بر این اساس برداشت از یکدیگر به‌عنوان «دشمن» می‌تواند به «رقیب» یا «دوست» تغییر یابد. تغییر هویت، تحولی اجتماعی است و آنچه موجب این تغییر است، تحول در ساختار فکری و معنایی می‌باشد. در حالی که بوزان در بهره‌گیری از عوامل اجتماعی، نظریه سازه‌انگاری را مبنای بحث قرار می‌دهد (ساعی و علیخانی، ۱۳۹۲: ۱۱۶).

بنابراین الکساندر ونت به‌عنوان چهره شاخص در سازه‌انگاری بیشتر نقش فرهنگ را در تعاملات بین واحدها برجسته می‌بیند. وی معتقد است که فرهنگ ناشی از ایده‌های جمعی است و در حقیقت این ایده‌ها هستند که رویکرد سیاست خارجی را به‌وجود می‌آورند و ساختارها و کارگزاران متقابلاً بر هم تأثیر می‌گذارند و با یکدیگر در حال تعامل هستند. ایده جمعی مدنظر ونت در واقع همان ایدئولوژی کلان یک واحد سیاسی است که بسیاری از سیاست‌های یک کشور، اعم از علیا و سفلی، از آن ناشی می‌شود. با قدری تسامح می‌توان این ایده کلان را به گفتمان غالب در هر عصر تعمیم داد که منشأ بسیاری از تحولات محسوب می‌شود. بنابراین در این تحقیق نگارندگان با استفاده از همین رویکرد، یعنی رویکرد سازه‌انگاری، با شیوه‌ای تطبیقی، به بررسی تأثیرات گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی(ره) و گفتمان وهابیت سعودی بر تأمین یا تضعیف صلح و امنیت بین‌الملل می‌پردازند.

بازشناسی گفتمان^۴ اسلام سیاسی امام خمینی(ره)

رهبران بزرگ در ذیل گفتمان مورد نظر خود، نظریه‌ها و گزاره‌های بنیادین اندیشه خود را مطرح و سپس آن را ترویج می‌کنند. بنابراین کاوش در گفتمان رهبران بزرگ، یکی از شیوه‌های راهگشا برای فهم و

1. Agent
2. Self
3. Other
4. Discourse

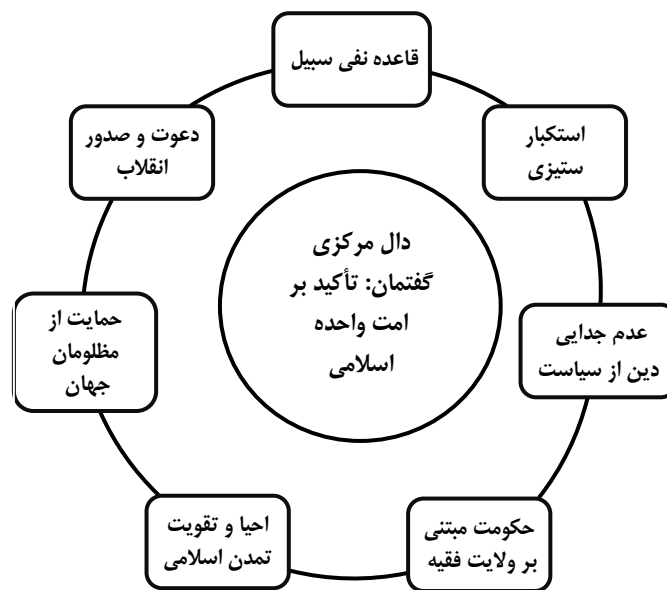
تحلیل آرا و اندیشه‌های آنان در ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌گردد. تحلیل گفتمان، به دلیل تفاوت‌های بنیادی با شیوه‌های کلاسیک پوزیتیویستی در نگرش به مسائل اجتماعی و سیاسی، کارآمدتر است. گفتمان مجموعه‌ای از احکام، گزاره‌ها و نشانه‌هاست که سازنده یک نظام معنایی متمایز است. این نشانه‌ها یا احکام به‌طور منظم (که منعکس‌کننده نظم گفتمانی هستند)، به یکدیگر متصل می‌شوند و نظام معنایی کلان آن گفتمان را با دیگر گفتمان‌ها متمایز می‌کنند. عنصر اساسی در هر مفصل‌بندی گفتمانی دال مرکزی است. دال مرکزی عبارت است از نشانگان مرکزی یک گفتمان که همانند یک میدان مغناطیسی، دیگر مفاهیم و نشانه‌ها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد (بهروز لک، ۱۳۸۴: ۱۴۹).

در هر گفتمان دلالت‌کننده‌هایی وجود دارند که شناورند و دال‌هایی وجود دارند که برای آن گفتمان جنبه محوری دارد؛ در واقع در روش گفتمانی باید دال‌هایی را با نام دال‌های مرکزی یا محوری جستجو کرد که در مفصل‌بندی گفتمانی مفاهیم و اجزای دیگر را کنار هم نگاه می‌دارد و به آنها وحدت می‌بخشد. دال برتر مفهوم کلیدی و هویت بخشی در هر گفتمان است که نشانه‌های دیگر در سایه‌ی آن منتظم و با هم مفصل‌بندی می‌شوند (فتحی، ۱۳۹۳: ۷۴). در گفتمان امام خمینی (ره) اسلام دال برتر است. اسلام به‌عنوان دال مرکزی گفتمان امام خمینی (ره) در مفصل‌بندی گفتمان ایشان، دیگر عناصر را در کنار هم نگه می‌دارد و عناصر دیگر در سایه آن نظم پیدا می‌کنند و با هم مفصل‌بندی می‌شوند (سعید، ۱۳۹۰: ۲۱). پیش از تحلیل اسلام در گفتمان امام خمینی (ره) باید به شرح این مسأله پرداخت که اسلام مورد نظر وی چیست؟ او چه قرائتی از اسلام داشته است و مشخصه‌های اسلام به‌عنوان دال مرکزی گفتمان امام خمینی (ره) چیست؟

با نگاهی به آراء و اندیشه‌های امام خمینی (ره)، به رویکرد انتقادی او به واقعیت‌های موجود در جهان اسلام پی می‌بریم. ایشان با نگاهی انقلابی در پی از بین بردن وضعیت موجود و گذار به وضع مطلوب که همانا در نظر ایشان جامعه اسلامی بر پایه اصول اساسی اسلام یعنی تشکیل حکومت و جاری ساختن قوانین الهی در آن، ایجاد آزادی‌های مشروع نظیر حق تعیین سرنوشت در جامعه و احقاق حقوق اولیه افراد می‌باشند.

امام خمینی (ره) با طرح واژه «امت اسلامی» در کنار واژه «دولت اسلامی» از همان ابتدا ماهیت فرا مرزی انقلاب اسلامی ایران را مشخص نمودند. در این نظریه امت اسلامی صرفاً محدود به کشور و دولت ایران نبوده و تمامی کشورهای مسلمان به‌عنوان برادران دینی و عضوی از این امت محسوب می‌شدند (فتحی، ۱۳۹۳: ۷۳). بنابراین این انقلاب، مطابق آموزه‌های اولیه‌اش میل به گسترش و صدور دارد. پدیده‌ای که از آن با عنوان صدور انقلاب برای بیداری امت اسلامی یاد می‌شود. گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی (ره)، مفهوم اسلام سیاسی مبارز را نه با عنوان اسلامی ستیزه‌جو بلکه در راستای هدف تأمین صلح و امنیت جهانی می‌بیند. همین مفهوم در اندیشه امام خمینی (ره) و در بعدی وسیع‌تر در اندیشه شیعی موجب تحرکات و جنبش‌های عمیقی در جهان اسلام جهت تثبیت صلح و امنیت از طریق ایجاد

حکومت‌های مردمی گردید که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد. گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی(ره) متأثر از ابعاد مختلف اندیشه‌های ایشان در حوزه‌های عرفانی، فقهی، فلسفی و کلامی است که توانست بین مذهب و سیاست پیوند دوباره‌ای برقرار سازد و با احیای جایگاه معنویت و دین‌گرایی رابطه تخریب شده دین و دنیا و عقل و دین را بازسازی و اصلاح نماید (غفاری هاشجین، ۱۳۹۰: ۶-۱۷۵). گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی(ره) مانند سایر گفتمان‌ها اصول مختلفی را شامل می‌شود، این اصول در قالب شکل ۱ نشان داده می‌شوند:



شکل ۱: مهمترین اصول موجود در گفتمان سیاسی امام خمینی(ره)، تنظیم: نگارندگان

واکاوی مبانی اندیشه‌ای و هویتی وهابیت

در امور فقهی، سلفی‌ها و وهابی‌ها به مذهب حنبلی (مدرسه اندیشه) و قانون متعهد هستند. با این حال، بسیاری از آنها ادعا می‌کنند هیچ وابستگی خاص به هیچ مذهب خاصی ندارند و همچنین دو روی یک سکه نیستند. در واقع، وهابیت یک برچسب برای کسانی است که به دنبال تعالیم محمد بن عبدالوهاب هستند. وهابی‌ها همواره به‌عنوان سلفی‌ها اشاره می‌شوند و در واقع آنها ترجیح می‌دهند که به این عنوان نامیده شوند، به‌عنوان یک قاعده، همه وهابی‌ها سلفی هستند، اما همه سلفی‌ها وهابی‌ها نیستند (Bin Ali and Bin Sudiman, 2016: 1-3). وهابیت بسیاری از اعتقادات خود را از عقاید احمد بن حنبل، بانی مکتب حنبلی و از رهبران فکری اصحاب حدیث که مورد حمایت کامل خلفای عباسی، (از متوکل به بعد) بوده است، گرفته است و وجود این، بسیاری از علمای حنبلی وهابیت را فرقه‌ای جدا از خود قلمداد

کرده و خود را از نزدیکی به آن میرا کرده‌اند. وهابیت یا سلفی‌گری با ظهور مذهب اشعریه، که در واقع تعدیل‌کننده روش افراطی معتزله در استفاده از عقل و روش تفریطی اهل حدیث در سرکوب عقل بود، در اوایل سده‌ی چهارم هجری از رونق افتاد ولی به‌طور کلی منسوخ نشد. این مذهب بار دیگر در قرن هشتم هجری با تبلیغ ابن تیمیه حرّانی دمشقی (۷۲۸-۶۶۱ ق.ه) احیا و گسترش یافت.

عبدالوهاب بر این اعتقاد بود که همه مسلمانان باید به‌طور جداگانه وفاداری خود را به یک رهبر مسلمان متعهد کنند (یک خلیفه، اگر وجود داشته باشد). او نوشت، کسانی که با این دیدگاه موافق نیستند باید کشته شوند، همسران و دختران آنها هتک احترام کرد و اموال آنها مصادره شود. برای رسیدن به این هدف، عبدالوهاب و پیروانش شیعیان را قتل عام، زیارتگاه‌های شیعه را نابود کردند؛ در واقع اختلافات وهابیت با اسلام شیعی از گذشته تاکنون ادامه داشته است. (Giorjis, 2015: 1). امروزه، رهبران ایران ادعا می‌کنند که عربستان سعودی به دنبال هژمونی برای عنوان «اسلام سنی»ها است و عربستان با ایالات متحده همکاری می‌کند تا دولت‌های مسلمان شیعه و نفوذ این جناح‌ها در این منطقه را انکار کند. برعکس، عربستان سعودی مدعی شده است که برای مثال، مداخلات نظامی در بحرین در سال ۲۰۱۱ و یمن در سال ۲۰۱۵ میلادی به دلیل محوکردن تلاش ایران برای به‌دست آوردن هژمونی منطقه‌ای بوده است. هر دو کشور تمایل دارند نفوذ دیگری را بیش از حد نشان دهند و این امر منجر به اقداماتی شود که ناشی از ظهور درگیری‌های سنی و شیعه در منطقه است (Katzman, 2016: 9).

در حقیقت اگر اصول وهابیت را به مثابه یک گفتمان در نظر بگیریم مهمترین آنها (با محوریت دال شیعه ستیزی)، به‌صورت زیر خواهند بود:

الف) رد عقل‌گرایی: وهابیون اظهار می‌دارند که «عقاید اسلامی باید به همان نحوی بیان شوند که در دوران صحابه و تابعین گفته می‌شد. عقاید اسلامی را باید از کتاب و سنت فراگرفت و علما نباید به طرح ادله‌ای غیر از آنچه که قرآن می‌گوید، بپردازند. طرفداران این آیین مخالف شدید هرگونه نوآوری و توسل به عقل، فلسفه، اجتهاد، تفسیر قرآن، تصوف و عرفان بوده و آنها را نوعی بدعت به حساب می‌آورند (منصوری مقدم، ۱۳۹۱: ۹۰-۸۹). در حقیقت، آنها در فهم آیات و روایات دچار ظاهرگرایی شده به‌طوری‌که هرگز به تأویل و تفسیر نمی‌پردازند و استفاده از شیوه‌های عقلی را در اسلام از امور جدید می‌پندارند (اسد علی‌زاده، ۱۳۸۴). در حالی که در مقابل شیعیان علاوه بر رد فهم ظاهری از آیات و روایات، به عقل، فلسفه و اجتهاد توسل جسته و با هدف روشنگری و همچنین انطباق آیات قرآنی با مقتضیات زمانی به تفسیر آنها همت می‌گمارند.

ب) تعصب شدید مذهبی و رد توسل جویی: اسلام وهابی مبتنی بر تعصب شدید مذهبی و عدم تسامح و سخت‌گیری در امور دینی می‌باشد. همچنین، وهابیون درخواست شفاعت، استغاثه، توسل و نذر را برای غیر خدا جایز نمی‌دانند و آن را بدعت در دین قلمداد می‌نمایند و بر همین اساس مسلمانانی را که به این گونه اعمال دست می‌زنند «کافر و مشرک» بر می‌شمرند. براساس این مؤلفه، از منظر وهابیون شیعیان در

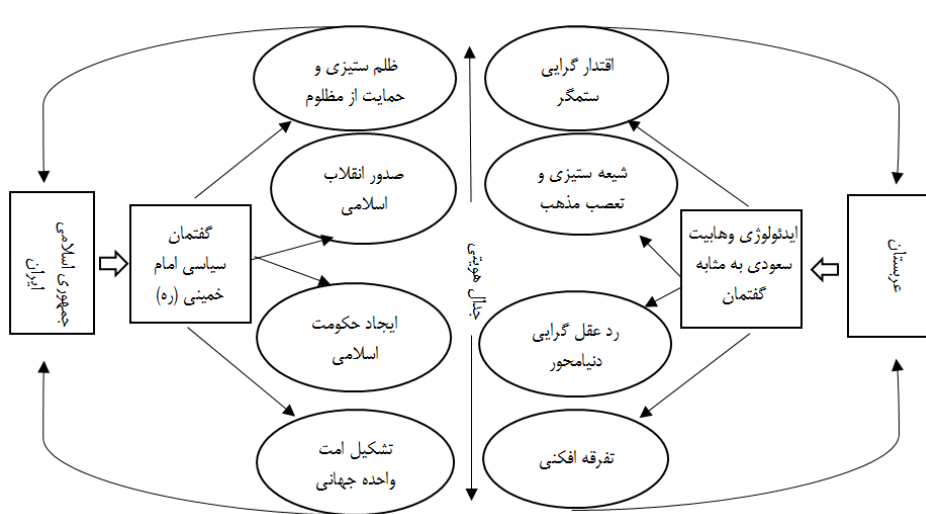
زمره کافران به شمار می‌آیند. آنها همچنین اعتقاد به جسمیت خداوند دارند و برای خداوند اعضاء قائل هستند. موضوعی که هیچ جایگاهی در اندیشه‌های شیعی ندارد و امری قبیح به حساب می‌آید.

ج) جهاد با کافران و بدعت‌گرایان: در گفتمان حقوقی اسلامی سنتی سنی، جهاد بر دو نوع بود جهاد تهجمی (جهاد طلعت) و جهاد دفاعی (جهاد الدف). اولین جهاد به‌عنوان وظیفه جمعی شناخته می‌شد و تا زمانی که برخی در آن مشغول بودند، بقیه از آن معاف می‌شدند و جهاد دفاعی به‌عنوان یک وظیفه فردی در میان همه مسلمانانی که دارای توانایی بدنی هستند، در نظر گرفته شد، یعنی زمانی که قلمرو اسلام تحت حمله خارجی قرار بگیرد، همه مجبور به دفاع از جامعه هستند (7: Bunzel, 2017). تکفیر‌گرایی و جهاد با کافران و بدعت‌گرایان از مؤلفه‌های مهم تفکرات وهابیت و سلفی‌گری می‌باشد که ابن تیمیه در ابتدای دعوت خویش آن را پردازش کرد. از نظر وی: «هر چیزی که در زمان پیامبر و سلف صالح نبوده، (به‌ویژه بسیاری از اعمال عبادی شیعیان) بدعت است. مانند سجاده پهن کردن برای نماز، دعای مشترک امام و مأموم بعد از نماز (اعمالی که شیعیان انجام می‌دهند) و غیره. بنابراین برای محو آنها باید شمشیر به‌دست گرفت» (منصوری مقدم، ۱۳۹۱: ۹۰). موضوع تکفیر کردن مسلمانان شیعه و سنی و مقابله با آنها به دلیل نفی اعتقادات وهابیون، خود بیانگر نگاه متعصب، غیرمتساهلانه و حذفی پیروان این آیین می‌باشد. امروزه اهمیت هنجار جهاد در آیین مذهبی عربستان سعودی تا بدان حد است که در پرچم آن کشور نیز هویداست. شمشیری که به شکل افقی در قسمت پایین ترسیم شده، نمادی از جنگ مقدس است که پایه تشکیل حکومت سعودی می‌باشد. بنابراین در آیین مذهبی این کشور جهاد یکی از تکالیف پنجگانه مسلمانان است (Wynbrandt, 2004: 184). اصل تکفیر هر چند نقطه ضعف وهابی‌هاست، اما آنان این اصل را به‌عنوان منشأ مشروعیت خود انتخاب و از آن در جهت غلبه بر شیعیان استفاده می‌کنند (حق شناس کمیاب، ۱۳۸۹).

د) شیعه ستیزی: مذهب وهابیت از منظر پارادایم نظری و ایدئولوژیکی بیشترین فاصله را با مذهب شیعه نسبت با سایر مذاهب دارد. در همین ارتباط، آنگلو گودویلا، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه بوستون، می‌گوید که بخش بزرگی از اجحاف‌های اعمال شده بر شیعیان، ریشه در جهان‌بینی وهابی‌ها دارد که به‌طور معمول به اختلافات درون دینی حساسیت بیشتری دارند (حق شناس کمیاب، ۱۳۸۹). این موضوع به این امر منتج شده تا خصومت بی‌حد و حصر با شیعیان در هر دو عرصه نظر و عمل به یکی از ایستارهای مهم این مذهب مبدل گردد. به لحاظ نظری، کتب متعددی علیه شیعیان به رشته تحریر درآمده که از آن جمله می‌توان به کتاب «منهاج السنه فی نقض الکلام الشیعه القدریه» ابن تیمیه اشاره کرد. در این کتاب وی «شیعه را یک جریان سیاسی مرتبط با یهود و دشمن اسلام معرفی می‌کند» (ناظمی قره باغ، ۱۳۹۰: ۶۲).

ه) تفرقه افکنی بین مسلمانان: از اهداف استعماری ایجاد فرقه وهابیت تفرقه افکنی میان مسلمان بوده است. در همین زمینه، مرکز پژوهش‌های اسلامی الغدیر بیان می‌دارد که وهابیت دارای دو ریشه اصلی «آشکار و پنهان» است. ریشه آشکار آن همان ادعای توحید کامل و خالص برای خدا و جنگ در

مقابل شرک و بت پرستی است. اما ریشه‌ی پنهان این مذهب تفرقه افکنی در میان مسلمانان و ایجاد آشوب و جنگ و نهایتاً خدمت به استعمارگران غربی می‌باشد (صائب، ۱۳۸۵: ۱۱). با عنایت به این پیشینه تاریخی، شعار «اخلاص، توحید و مبارزه با شرک» تنها شعار پر جاذبه‌ای است که پیروان وهابیت در زیر چتر آن قرار می‌گیرند، در حالی این امر تنها وسیله‌ای برای تحقق یافتن سیاست‌های دول غربی در منطقه می‌باشد. در مجموع می‌توان بیان کرد که شیعیان و سایر مسلمانانی هستند که آراً مرکز ثقل مبنای اندیشه‌ای وهابیت و سلفی‌گری صرفاً و عقاید این فرقه انحرافی از اسلام را قبول نداشته و از آن تبعیت نمی‌کنند. در این میان، مبارزه با شیعیان در اولویت سیاست‌های وهابیت قرار داشته و تا حدود قابل ملاحظه‌ای بر رفتارهای سیاست خارجی عربستان تأثیر می‌گذارد. برای مثال می‌توان به تفرقه افکنی، افراط طلبی، دخالت در جریان‌های سیاسی، مسلح کردن هواداران خود و پیروی نکردن از مقام رسمی در حین بحران چچن اشاره کرد که شاهد حمایت‌های مادی، معنوی، آموزشی و ترویج ایدئولوژی رهبران توسط وهابیت بر بحران چچن افزود (معینی فر و خیری، ۱۳۸۹: ۱۶۸-۱۶۹). پس از شناخت مهمترین اصول هر دو گفتمان به مقایسه تطبیقی آنها در قالب شکل ۲ می‌پردازیم.



شکل ۲: جدال هویتی گفتمان سیاسی امام خمینی (ره) با ایدئولوژی وهابیت (به مثابه گفتمان)، تنظیم: نگارندگان، با تلخیص از: (امیری، ۱۳۹۴).

وهابیت و تقویت گروه‌های تروریستی

وهابیت عربستان به‌عنوان منشأ شکل‌گیری و تقویت بسیاری از گروه‌های بنیادگرا، سلفی- تکفیری و تروریستی در منطقه خاورمیانه و دیگر مناطق، به‌عنوان ایدئولوژی مسمومی عمل کرده است که امنیت بین‌المللی را با مخاطرات جدی مواجه ساخته است. وهابیون اصرار بر کاربرد مستقیم و روش‌ها و ایده‌هایی

دارند که به طور مستقیم در حدیث آمده است و هر چیزی به معنای واقعی کلمه در قرآن آمده، و در آن گزارش از حدیث (اقدامات و اظهارات حضرت محمد) است از نظر سلفی «معتبر» است (Qadhi, 2014: 12-18). لی کوان یو، نخست وزیر سابق سنگاپور نیز به کشور عربستان سعودی به عنوان «ملکه زنبورها» که باعث ایجاد تروریسم در آسیا شد، اشاره کرد. با افزایش سلاح‌های کشتار جمعی سعودی، افغانستان، پاکستان، اندونزی، مالزی، سنگاپور و فیلیپین قربانی گروه‌های افراطی‌گری وهابی ماند: جماعة الاسلامیه، ابوسیف، جبهه آزادی‌بخش اسلامی مورو، داعش، طالبان و دیگران شده‌اند (Lin, 2015: 3). در زیر به اختصار نمونه‌هایی از گروه‌های پرورش یافته از سوی وهابیت عربستان اشاره می‌شود.

طالبان^۱

طالبان گروهی از طلبه‌های مخالف با دولت افغانستان بودند که به واسطه مخالفت با سیاست‌های دولت افغانستان در سال‌های (۱۹۹۴ تا ۲۰۰۲) در افغانستان رشد نمودند. بن‌مایه و شالوده اصلی این جریان تروریستی از سه گروه اصلی تشکیل می‌یابد: گروه نخست، همان سلفی‌ها هستند که گاهی به آنها وهابی نیز می‌گویند. گروه دوم، مولوی‌های تندرو هستند. این گروه در سرتاسر افغانستان در حلقه فکری با طالبان، شبکه ارتباطی زیادی دارند و گروه سوم نیز صوفی‌ها هستند (جوادی ارجمند، ۱۳۸۷: ۴۵). اصلی‌ترین حلقه تشکیل دهنده طالبان همان گروه نخست یعنی سلفی‌ها یا وهابی‌ها هستند. مسئولیت سازماندهی و حمایت تسلیحاتی و تقویت بنیه‌ی نظامی طالبان به دولت پاکستان سپرده شد و مسئولیت تدارکات مالی و تأمین هزینه‌های اقتصادی طالبان به کشورهای عربستان سعودی و امارات متحده عربی واگذار شد (سجادی، ۱۳۸۰: ۱۹۱). کشته شدن صدها نفر شیعه که به مناسبت‌های مختلف قربانی تفکرات طالبانیسم می‌شوند نمونه‌ای از اقدامات این گروه تندرو است که بازتاب این عقاید و اعمال نیز «اسلام = خشونت» را تبلیغ نموده است (رجاء، ۱۳۸۷: ۳۱۱).

بنابراین حمایت عربستان از گروه تروریستی طالبان هزینه‌های امنیتی سنگینی بر کشورهای منطقه و فرا منطقه تحمیل کرد. هزینه‌هایی نظیر حمله به مدرسه پیشاور در ۲۰۱۴، کشتار مردم هزاره افغانستان و کشتار دیپلمات‌های ایرانی در مزار شریف تنها بخش کوچکی از این هزینه‌ها محسوب می‌شوند.

القاعده^۲

القاعده نام تشکیلات بین‌المللی تروریستی و بنیادگرا است که متشکل از شبکه‌های تروریستی اسلامی است که همگی در راستای کاهش دادن تأثیرات و دخالت غیرمسلمانان بر دنیای اسلام و در جهت گسترش یافتن اسلام در جهان مبارزه می‌کنند. رهبر این گروه جهاد را تهاجمی و برای تثبیت حاکمیت خداوند بر روی زمین می‌داند و آن را جنگ مقدسی می‌شمارد مشروعیت دارد (شفیعی و مهرور، ۱۳۹۱: ۱۵۲). ایمن الظواهری در این باره در مقام فتوا اعلام کرده است: «جوانان مسلمان نباید منتظر اجازه

1. Taleban
2. Al Qaeda

گرفتن از کسی باشند، زیرا جهاد با آمریکایی‌ها، یهودی‌ها و متحدانشان یعنی منافقان مرتد واجب عینی است (Knowlth, 2008). همچنین ابوبکر بشیر، رهبر سازمان جماعت اسلامی اندونزی و بخشی از شبکه بین‌المللی القاعده، می‌گوید: «شهادت در راه جهاد فریضه‌ایست بنیادی و پذیرش دیگر اصول دین منوط به اجرا و پذیرش اصل جهاد و شهادت است (Atran, 2006: 139). در گروه القاعده، کسانی که از این مکتب پیروی نکنند تحت عنوان کافر، مشرک و منافق نامیده می‌شوند. (شفیعی و مهرور، ۱۳۹۱: ۱۵۵). ایدئولوژی القاعده بر چهار رکن سلفی‌گری، افراط‌گری، شیعه ستیزی و غرب ستیزی استوار است بنابراین شباهت بسیاری به اصول و مفروضه‌های اصلی وهابیت در عربستان دارد. راهکار القاعده برای دستیابی به حکومت جهانی این است که ابتدا کشورهای اسلامی با مرکزیت عراق فتح شوند سپس با تشکیل سرزمین‌های اسلامی (دارالاسلام) جنگ‌هایی به منظور برپایی حکومت جهانی اسلامی با کافران آغاز گردد (اسماعیلی، ۱۳۸۶: ۲۷).

بنابراین عربستان به‌عنوان مهمترین حامی این جریان تروریستی، علاوه بر تأمین منابع مالی این گروه، به‌عنوان هسته اصلی تشکیل آن محسوب می‌شود. کمک‌های تسلیحاتی عربستان در کنار حمایت‌های رسانه‌ای نقش به‌سزایی در قدرت‌یابی هر چه بیشتر این گروه داشته است. علاوه بر آن القاعده به‌عنوان فرزند خلف وهابیت، با رهبری از کشور عربستان و تکیه بر مفاهیم افراطی بنیادگرا و همچنین دعوت به جهاد عملی، در مرحله اول مروج توسعه و گسترش تروریسم و در مرحله دوم توسعه ناامنی در سطح بین‌المللی بوده است.

داعش^۱

ظهور تجهیزات تروریستی دولت اسلامی عراق و سوریه (ISIS)، که به اصطلاح حکومت اسلامی عراق و شام (داعش) شناخته می‌شود و به دولت اسلامی (IS) یا داعش نیز معروف می‌باشد، جلوه‌های دیگر خشونت اسلام‌گرایی جهانی را تحت تأثیر قرار داده است (Fauzi Abdul Hamid, 2016: 2). ابتدای ظهور دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، به سال ۲۰۰۴ باز می‌گردد که ابومصعب الزرقاوی شبکه‌ایی را به نام جماعت توحید و جهاد تأسیس و رهبری آن را برعهده گرفت و در پایان سال ۲۰۰۶ گروه داعش به ریاست ابوعمر البغدادی تشکیل شد (کریمی، ۱۳۹۴: ۶). داعش به‌عنوان یک شبه دولت، تبدیل به یک ساختار بسیار قابل توجه‌تر از تروریسم معاصر شده است. در واقع، مانند بسیاری از ایالت‌ها و شورشی‌ها، داعش از تروریسم برای تسخیر جمعیت تحت کنترل خود استفاده می‌کند (Englund and Stohl, 2015: 2-6). داعش در حال حاضر تنها گروه سلفی است که به تلافی شکست‌های خود و به بهانه حمایت‌ها و حضور گروه‌های مقاومت لبنانی و عراقی در سوریه، دست به اقدامات تلافی جویانه زده است (Allen Ao and Quilliam, 2016: 3-5). اما آنچه که مهم است اینکه انجام اقدامات تروریستی گسترده در اماکن تحت کنترل نیروهای امنیتی نمی‌تواند به تنهایی توسط یک گروه سلفی بدون حمایت و

1. Islamic State of Iraq and the Levant (ISIL)

پشتیبانی اطلاعاتی و مالی یک نهاد قوی صورت گرفته باشد. با مروری بر تاریخچه شکل‌گیری داعش در خواهیم یافت که نقش بندر بن سلطان، رئیس دستگاه اطلاعاتی امنیتی عربستان سعودی در شکل‌دهی و تأثیرگذاری بر این گروه بسیار زیاد بوده است. پایگاه خبری عراقی «برائا» سندی را منتشر کرد که نشان می‌داد بندر بن سلطان فرمانده جدید القاعده (داعش) در عراق را تعیین و عناصر آن را با سلاح و پول تجهیز کرده بود (رضا خواه، ۱۳۹۲: ۳).

هویت وهابی عربستان چالش‌گر امنیت بین‌الملل

عربستان سعودی که دارای ساختار قبیله‌ای است، با کمک اندیشه وهابیت اقدامات سیاسی خود را رنگ و بوی دینی می‌دهد، تا بدترین نوع دیکتاتوری یعنی «دیکتاتوری دینی» را در جهان رقم بزند. این نوع نگاه علاوه بر داخل به خارج نیز سرایت داده می‌شود و دیگر مذاهب اسلامی تکفیر شده و اقدامات خشن علیه آنها جایز شمرده می‌شود. آل سعود جهت بهره‌برداری از نفوذ و تأیید علمای وهابی با گره‌زدن حرکت موسوم به اصلاح دین به توسعه طلبی سیاسی - ارضی خود، داعیه اجرای منویات محمد بن عبدالوهاب در پیمان معروف به «دو محمد» را در سر دارد. از زمان تأسیس دولت سعودی، وهابیت، فرهنگ، آموزش و پرورش و نظام قضایی را شکل داده است (قلخانبا، ۱۳۹۲: ۶۴). اندیشه وهابیت آل سعود باعث گردیده که عملیات‌های تروریستی و انتحاری با هدف کمک به اسلام واقعی رشد و نمو یابد و مبارزان وهابی با هدف قرب الی‌الله اقدامات خویش را انجام دهند.

شیخ احمد الزین بر این اعتقاد است که «فلسفه گروه‌های تروریستی از اساس از وهابیت است؛ و بر اساس دیدگاه وهابیت، فقط خودشان مسلمان هستند و مابقی همه کافرند و مسلمان نیستند. بنده معتقدم داعش ثمره وهابیت است و از طریق رئیس و مؤسس‌شان اسرائیل برنامه‌ریزی می‌شود. عربستان از زمان دولت عبدالعزیز اقرار به بودن اسرائیل در فلسطین داشته‌اند و این داعشی‌ها، همان گونه که شیعه را تکفیر می‌کنند، اهل سنت را نیز تکفیر می‌کنند» (شیخ الزین، ۱۳۹۴: ۱۴). در واقع، ظهور برخی از گروه‌های مسلمان افراطی و جهادی در نیمه دوم قرن بیستم و تلاش آنها برای ایجاد حکومت اسلامی، دخالت‌های مسلمانان این منطقه در برخی از حوادث جهانی و منطقه‌ای چون جنگ میان شوروی و افغانستان را نیز در برداشت (معصومی، ۱۳۹۴: ۱۱۴).

شواهد نشان دهنده این است که یکی از تهدیدات بزرگ امنیتی دنیا در قرن ۲۱ وجود گروه‌های تروریستی می‌باشد؛ به این معنا که حمایت از این گروه‌ها باعث گسترش آن و ایجاد ناامنی در همه نقاط جهان می‌شود و منحصرأ مربوط به کشورهای خاورمیانه نمی‌باشد. برای مثال آمریکا بعد از حملات تروریستی به برج‌های دو قلوی نیویورک سیتی در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، این حادثه را به‌عنوان خطری جهانی ترسیم کرد و تلاش نمود آن را تهدیدی برای همه کشورها و ثبات بین‌المللی قلمداد کند. با وجود اینکه کشور آمریکا موفق شد بیش از یکصد کشور را در تلاش جهانی برای همکاری اطلاعاتی، اجرای قوانین ضد تروریسم، محدود کردن منابع مالی تروریست‌ها و ائتلاف نظامی علیه آنها را هماهنگ کند و

با بُعد جهانی به خطری که ارزش‌ها و منافع آمریکا را تهدید کرده است، استراتژی احاله مسئولیت جهانی جهت کم هزینه‌تر کردن مبارزه با تروریسم را در سیاست خارجی خود پیگیری می‌کند اما این به این معنا نیست که کشورهای دیگر جهان از خطر گسترش این گروه‌ها در امان باشند (عسگریان و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۸). همواره این یکی از خطرانی می‌باشد که وهابیون با تقویت آن می‌توانند بر امنیت و صلح جهانی اثرگذار باشند. برای مثال گروه تروریستی داعش نه تنها ناامنی برای کشورهای خاورمیانه را به ارمان می‌آورد بلکه در کشورهای غربی را نیز مورد هدف قرار داده‌اند؛ حملاتی در شهرهای پاریس، کپنهاگ، ویل ژویف، بروکسل، ماگنویل، نیس، برلین، لندن، استکهلم، منچستر و... مؤید این ادعا هستند (<http://www.eghtesadnews.com>).

در جدول زیر بخشی از اقدامات تروریستی عربستان سعودی در مناطق مختلف نشان داده شده است:

جدول ۱: برخی از مهمترین اقدامات تروریستی عربستان سعودی در مناطق مختلف

کشور	نوع اقدام
یمن	تجاوز عربستان سعودی به یمن تاکنون بیش از ۱۰ هزار غیر نظامی این کشور را قربانی کرده است. این تجاوز فاقد هر گونه مشروعیت قانونی بین‌المللی بوده است.
بحرین	مداخله نظامی آل سعود در بحرین باعث سرکوب جریان بیداری اسلامی در این کشور گردید و در نتیجه مداخلات عربستان در این کشور، بسیاری از فعالان سیاسی زیر شکنجه آل خلیفه جان باختند.
سوریه	جنگ داخلی سوریه، نتیجه کمک ریاض به گروه‌های تروریستی است که تاکنون قریب به ۴۰۰ هزار کشته و میلیون‌ها نفر آواره برجای گذاشته است. جنگ طلبی آل سعود در سوریه، این کشور را به عرصه دخالت قدرت‌های فرا منطقه‌ای تبدیل کرده است.
ترکیه	عملیات تروریستی گروه‌های وهابی وابسته به عربستان، در سال‌های اخیر صدها کشته بر جای گذاشته است. عمده این عملیات‌های تروریستی از سوی داعش صورت گرفته و ریاض از این اهرم برای فشار به آنکارا جهت نزدیک نگه داشتن آنکارا به خود در جریان جنگ سوریه استفاده می‌کند.
لیبی	پس از سقوط دیکتاتور قذافی در لیبی، جنگ داخلی در این کشور هزاران کشته برجا گذاشته و گروهک تروریستی داعش با استفاده از خلأ قدرت در این کشور پیشروی کرده است.
نیجریه	در کشورهای آفریقایی از جمله نیجریه، فقط در سال ۲۰۱۴ قریب به ۵۰۰۰ نفر جان خود را به دلیل فعالیت‌های تروریستی از دست داده‌اند. بخش بزرگی از این فعالیت‌ها از سوی آل سعود تأمین مالی می‌شوند.
ایران	بسیاری از گروهک‌های تروریستی در مرزهای ایران به‌طور مستقیم با کمک‌های آل سعود برای ناامن کردن جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کنند. هر چند فعالیت این گروه‌ها آن‌گونه که عربستان انتظار داشته موفقیت آمیز نبوده اما هزینه‌هایی از جمله شهادت چند تن از مرزبانان را بر جمهوری اسلامی تحمیل کرده است.
۱۱ سپتامبر	در جریان حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، ۲۹۷۴ نفر از ۹۰ ملیت مختلف جان خود را از دست دادند. پس از ۱۵ سال پنهان کاری در سال ۲۰۱۶ کاخ سفید با تصویب قانون جاستا، رسماً از نقش دولت عربستان در این حملات پرده برداری کرد.

تهیه و تنظیم: نگارندگان؛ با تلخیص از: (جام جم، ۱۳۹۵)

گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی(ره)، گفتمانی برای صلح جهانی

گفتمان سیاسی امام خمینی(ره)، تلاشی برای زنده کردن صلح و عدالت در محور حیات و نیز، روشی برای ایفای نقش در محیط آنارشیک بین‌الملل فراتر از همه اختلافات ملی، قومی و مذهبی بود. به بیان دیگر، گفتمان سیاسی امام خمینی(ره) گفتمانی است که حرکت و آثارش در چهارچوب مرزهای یک کشور خلاصه نمی‌شود، بلکه دیدگاه فراملی دارد. از این رو بر روی ملتها حساس است و میل به فراگیر شدن دارد. بنابراین بر جنبش‌های اسلامی سیاسی معاصر تأثیر گذاشته و به آنان جرأت و جسارت مبارزه داده است. گفتمان‌ها معمولاً در بردارنده پیام‌های خاص، الگوها، و آمال متعددی هستند که به‌عنوان ابزارهای بسیج توده‌ها استفاده می‌شوند. یکی از این رویاهای سیاسی که عموماً در گفتمان‌ها مطرح می‌شود، شعار صلح و همزیستی با سایر واحدهای صلح طلب است. گفتمان سیاسی امام خمینی(ره) نیز از این قاعده مستثنی نبوده و به درستی توانسته است به این مدعا جامه عمل بپوشاند.

نمود عینی این ادعا را می‌توان به اختصار در اصل صد و پنجاه و دوم و صد و پنجاه و چهار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دید:

«سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است.»

«جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند» (منصور، ۱۳۹۵: ۴۶).

با وقوع انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی(ره) هویتی متمایز را از اسلام به نمایش گذاشت که نقطه مقابل وهابیت قرار گرفت. به‌رغم امکان کاربرد اجباری و ناخواسته‌ی خشونت مشروع و قانونی، در مجموع اصل بر رحمت است و خشونت امری فرعی و جانبی محسوب می‌شود. عناصری مانند کرامت و شرافت انسانی، عقلانیت و خردورزی، تساهل و تسامح و نفی خشونت طلبی و جست‌وجوی صلح جهانی را می‌توان مؤید ادعای بالا دانست. در واقع، از یک سو گروه‌های افراطی مذهبی - مانند بخش‌هایی از سلفی‌گری، به‌ویژه وهابیت، نیروهای وابسته به اسلام طالبانی یا شاخه‌هایی از تندروهای مسلمان پاکستانی، و از همه‌ی آنها مهم‌تر گروه داعش، به نام دین اسلام، به جنگ و خشونت کور و ترور و ایجاد وحشت و کشتار مردم عادی و بی‌دفاع رو آورده‌اند و از سوی دیگر دشمنان اسلام به همین بهانه با تبلیغات گسترده در حال اجرای پروژه‌ی «اسلام هراسی» می‌باشند و می‌کوشند تا نظام جمهوری اسلامی ایران را نیز جنگجو و خشونت طلب معرفی نمایند، گفتمان امام خمینی(ره) چیز دیگری را در جهان به نمایش می‌گذارد (عابدی اردکانی، ۱۳۹۵: ۸۱).

جمهوری اسلامی تمام تلاش خود را معطوف به بکارگیری ابزارهایی که در اختیار دارد می‌کند، تا شاید از این طریق بتواند جامعه آرمانی متشکل از کلیه کشورها و بر پایه اصول صلح خواهی و عدالت محوری بنا کند. این اصول را تا حدودی می‌توان برخواسته از باور شیعی این کشور مبنی بر ظهور منجی و ایجاد جامعه جهانی صلح بنیان دانست. در حقیقت گفتمان سیاسی امام خمینی(ره) گفتمانی است که تلاش می‌کند با ارائه هویتی اسلامی از مفروضات اصیل و به دور از بدعت اسلام به تقابل با گفتمان‌های انحرافی نظیر وهابیت عربستان برخیزد. در نهایت طرح راهبردهای فرهنگی ضد تروریسم وهابی گفتمان سیاسی امام خمینی(ره)، باید اصولی را به همراه خود داشته باشد که در زیر به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

۱. بر اساس ویژگی‌های ذاتی نظام جمهوری اسلامی ایران، تدابیر ضد تروریستی باید ماهیت بردبارانه، توأم با رأفت اسلامی و درازمدت داشته باشد و با تفکیک مردم عادی یا حتی حامیان ضمنی (افکار عمومی همراه) تروریست‌ها - از اعضای شبکه‌های تروریستی - همراه باشد.
 ۲. تدابیر ضد تروریسم تلاش خواهد کرد به‌طور کلی عموم شهروندان را از توسل به زور، خشونت، افراطی‌گری و تمایل به تروریسم منصرف سازد (مشروعیت زدایی از تروریسم). بدیهی است تحقق این مهم منوط به درک عمیق رفتار تروریستی است.
 ۳. تمرکز سیاست‌ها بر گروه‌های تروریستی و حذف ریشه‌ها، منابع تغذیه، نیروی انسانی، منابع مالی و ارتباطی، لجستیکی و حمایت‌های عمومی از گروه‌های تروریست و تضعیف هویت و ایدئولوژی آنها.
 ۴. بهره‌گیری از راهبردهای سخت و نرم و تلفیق هوشمندانه توانایی‌های موجود با هدف یکپارچه و همگرا کردن منابع قدرت نظام.
 ۵. مبارزه با تروریسم مبارزه‌ای درازمدت و مستمر است؛ بنابراین تغییر ادبیات ضد تروریسم در محافل و مراجع رسمی و افکار عمومی و تلقی از آن به‌عنوان «مقابله‌ای طولانی مدت» ضروری است (حاجیانی و کریمی شیروودی، ۱۳۹۳: ۴۷-۴۸).
- در حقیقت راهکارهای امام در منطقه و بین‌الملل معطوف به حمایت از مسلمانان و مستضعفان در سراسر جهان بود. تشکیل ارتش صد میلیونی، طرح حیات بخش امام خمینی(ره) برای مسلمین جهان است که این ارتش یک ارتش دفاعی می‌باشد. «پیاده کردن اسلام واقعی در ایران و ارائه یک الگوی عینی»، «معرفی اسلام آن‌طور که هست»، «گسترش معنویت ایران در سطح جهان»، «آشتی میان دولت‌ها و ملت‌ها»، «رساندن پیام اسلام به جهان»، «بیدار ساختن ملت‌ها»، «صدور ارزش‌های انسانی» و «صدور تجربه‌های انقلاب اسلامی ایران»، از دیگر راهکارهای امام برای مهار خشونت در جهان است. دمیدن روح امید و خودباوری به کالبد کم‌رمق مستضعفان و به‌ویژه مسلمانان جهان و واقف کردن آنان به توانایی‌های بالقوه و بالفعلشان، در قالب شعار مبارک ما می‌توانیم یکی دیگر از راهکارهای مهم امام خمینی(ره) بود برای مقابله با ظلم و خشونت در جهان می‌باشد (ش. لکزایی و ر. لک زایی، ۱۳۹۵: ۵۹).

تعارضات هویتی و ایدئولوژیکی وهابیت سعودی با گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی(ره)

تجزیه و سقوط امپراتوری عثمانی موجب شد تا کشورهای منطقه خاورمیانه خلأ هویتی و ایدئولوژیکی موجود را با مذهب پر نمایند. به همین دلیل نقش این عنصر در هویت بخشی کشورهای عرب خاورمیانه به ویژه عربستان بسیار برجسته است. عربستان با تمسک به هویت قومی - عربی نخست خود را از کشورهای غیر عرب منطقه یعنی ایران و ترکیه و رژیم صهیونیستی منفک ساخت، سپس با تقویت دین به عنوان منبع اصلی هویت بخش، «هویت متمایزی» را برای خود در میان اعراب ایجاد کرد (اختیاری امیری به نقل از درایسدل و بلیک، ۱۳۹۴: ۱۳۱).

در واقع، اختلافات میان فرقه‌های سنی و شیعه در مورد جانشینی حضرت محمد و همچنین ماهیت رهبری در جامعه مسلمان، از گذشته تاکنون ادامه داشته است. در واقع، سازمان‌ها و دولت‌های سنی و شیعه زمانی همکاری می‌کنند که درک کنند که منافع آنها همپوشانی دارد. در موارد دیگر، تفاوت‌های الهیات می‌تواند به طور مستقیم باعث نزاع و خشونت‌های فرقه‌ای شود (Blanchard, 2009: 1-2). از آن جایی که عربستان هویت ملی خود را بر مبنای مفاهیم مذهبی با منشأ وهابیت تعریف می‌کند، بنابراین اختلافات مذهبی را می‌توان به عنوان عنصری مهم در روابط با ایران مورد ملاحظه قرار داد. محور اصلی ایدئولوژی وهابیت مبارزه با اصول و مفروضه‌های اصلی گفتمان سیاسی امام خمینی(ره) در ایران و سایر کشورهای منطقه است. اگرچه «گراهام فولر» بر این اعتقاد است که: «شیعیان منطقه به عنوان مسلمانان فراموش شده جهان عرب محسوب می‌شوند» اما ایران و عربستان با روش‌های متفاوت تلاش دارند تا نقش سیاسی آنان را تحت تأثیر قرار دهند (صفاری انارکی، ۱۳۹۴: ۲۹).

زمانی که جمهوری اسلامی در سال ۱۹۷۹م در ایران تأسیس شد، مقامات عربستان احساس نگرانی بیشتری نسبت به آینده امنیت منطقه و هویت ایدئولوژیک خود داشتند. به همین دلیل است که پذیرش ایدئولوژی و نظام مذهبی در ایران، زمینه‌های تشدید رویارویی‌های سیاسی و امنیتی را با ایران فراهم نمود (صفاری انارکی، ۱۳۹۴: ۲۹).

در مجموع از عوامل اصلی تأثیرگذار بر تعارضات هویتی گفتمان وهابیت و اسلام سیاسی امام خمینی(ره) که در منطقه بین‌المللی نیز نمود یافته است می‌توان به انگاره‌ها، هویت‌ها و قواعد هنجاری مشترک بین الازدھانی اشاره کرد که این عوامل در ابعاد ایدئولوژیک، امنیتی و سیاسی، هویتی، مذهبی و اقتصادی تأثیرات ویژه‌ای در ایجاد تعارض بین این دو گفتمان دارد. برای مثال می‌توان به تعارض بین دولت - ملت تثبیت نشده عربستان با بن‌مایه‌های دولت - ملت قوی و تاریخی ایران، ذهنیت جایگزینی عربستان زمانی که بعد از انقلاب آمریکا متحد ویژه خود یعنی ایران را از دست داد، تقابل شیعه و وهابیت، ناهنجاری‌های ایدئولوژیک در دو گفتمان که نمونه‌هایی از وجود تعارض بین این دو می‌باشد، اشاره کرد (دارابی و کاظمی، ۱۳۹۵: ۲-۱۳). انعکاس چنین نشانه‌هایی را می‌توان در نقش عربستان برای سازماندهی نهادهای مذهبی در کشورهای مختلف مورد توجه قرار داد. نهادهایی که ایدئولوژی مذهبی و رویکردهای

سیاسی را با یکدیگر پیوند داد، زمینه‌های لازم برای مقابله با مدل مذهبی ایران که برگرفته از گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی(ره) می‌باشد را در دستور کار قرار دادند. به این ترتیب فضای سیاسی و ایدئولوژیک عربستان که در برابر نیروهای ناسیونالیستی عرب با انعطاف و میانه‌روی برخورد کرده بود، رویکرد آشتی‌ناپذیری را در برابر گفتمان انقلاب اسلامی ایران به نمایش گذاشت.

نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصل از پردازش فرضیه در این تحقیق نشان داد رشد و تکثیر گروه‌های تروریستی از جمله داعش از چند سال گذشته تاکنون در خاورمیانه نمودی تازه از مسائل امنیتی در این منطقه و فراتر از آن را آشکار کرده است. امروزه گروه‌های رادیکال مختلفی در جهان و خصوصاً در خاورمیانه فعال هستند. بعد از کشته شدن اسامه بن‌لادن، این گروه انشعابات زیادی پیدا کرد؛ بخشی از آنان در پاکستان قدم نهادند و بخشی در سوریه و عراق و حتی آفریقا. در این میان سوریه و گروه‌های رادیکال فعال، توجهات زیادی را از سرتاسر جهان به خود جلب کرده‌اند. جبهه النصره که از زیرشاخه‌های القاعده محسوب می‌شود، یکی از این گروه‌هاست که خود در سوریه به چند شاخه تقسیم شده است و آثار امنیتی فراوانی را بر جای گذاشته است. نکته حائز اهمیت در این رابطه این است که همگی این گروه‌ها به نحوی به اندیشه‌های وهابیت وابسته بوده و اساس اندیشه خود را از آراء ابن تیمیه وام‌دار هستند.

ما در این پژوهش از اندیشه وهابیت به‌مثابه یک گفتمان یاد نمودیم و برای آن دال‌هایی نیز در نظر گرفتیم. گفتمان وهابیت عربستان سعودی با در برگرفتن دال‌هایی نظیر: رد عقل‌گرایی، اقتدارگرایی تعصب و غیره، همچنین پیوند این دال‌ها با دال مرکزی یعنی جهاد عملی، به‌عنوان یکی از مهمترین حامیان تروریسم محسوب می‌شود و به تبع آن این گفتمان با مفروضات امنیت ستیزانه خویش، آثار سوء امنیتی متعددی را در سراسر جهان بر جای گذاشته است. حمایت‌های عربستان وهابی از عملیات‌های تروریستی در بحرین، مصر، لیبی، یمن، سوریه و سایر نقاط مصدایقی از اقدامات امنیت ستیزانه این کشور بوده است. تصویب قانون عدالت در برابر حامیان تروریسم (جاستا) در ایالات متحده نیز از جمله اسنادی است که می‌توان آن را به‌عنوان مهر تأییدی بر امنیت ستیزی عربستان سعودی ارزیابی کرد.

در مقابل گفتمان وهابیت، گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی(ره) مطرح گردید. این گفتمان با در برگیری دال‌هایی همچون: عدالت محوری، حقوق بشر، استکبار ستیزی، حمایت از مظلوم و مواردی از این دست، توانسته است گام‌های بزرگی را از طریق ارائه الگوهای صلح جویانه به پیروان خود، در راستای تثبیت نظم بین‌المللی بردارد. گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی(ره) توانست عدالت را در مدار شریعت قرار داده و از این هم‌پیوندی در راستای تأمین امنیت جهانی بهره‌برد. حضور جمهوری اسلامی در مناطق بحران زده سوریه و عراق و مبارزه با عناصر تروریستی مورد حمایت عربستان سعودی، حضور فعال و همکاری مستمر با نهادهای صلح طلب جهانی و مواردی از این دست، همگی در راستای حمایت این کشور از امنیت بین‌الملل و حفظ ثبات و نظم جهانی ارزیابی می‌گردد.

منابع

- اختیاری امیری، رضا (۱۳۹۴)، «تأثیر تقابل وهابیت سعودی با گفتمان انقلاب اسلامی ایران بر ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه»، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره شش، زمستان.
- اسد علی زاده، اکبر (۱۳۸۴)، *چالش‌های فکری و سیاسی وهابیت*، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- اسماعیلی، حمید رضا (۱۳۸۶)، «باز شناسی اندیشه سیاسی القاعده»، فصلنامه مطالعات منطقه ای جهان اسلام، سال هشتم، شماره ۳۱.
- بهروز لک، غلامرضا (۱۳۸۵)، «اسلام سیاسی وجهانی شدن»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، ش ۱۳.
- جوادی ارجمند، محمد جعفر (۱۳۸۷)، «تحرك‌های طالبان و تأثیر آن در روابط پاکستان، افغانستان و آمریکا»، مطالعات اور آسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، سال دوم، شماره ۳، زمستان و بهار.
- حاجبانی، ابراهیم و ضمیری، عبدالحسین (۱۳۸۹)، *پژوهش‌ها و مطالعات تروریسم*، تهران، مؤسسه نشر کمیل.
- حاجبانی، ابراهیم و کریمی شیرودی، محسن (۱۳۹۳)، «راهبردهای ضد تروریسم در ایران: رویکرد فرهنگی»، فصلنامه آفاق امنیت، سال هفتم، شماره بیست و سوم، تابستان.
- حق شناس کیمیا، سید علی (۱۳۸۹)، «ساختار سیاسی - اجتماعی عربستان و اقلیت‌های دینی»، <http://www.payam-afab.com/fa/doc/article/11242>
- دارابی، وحید، کاظمی، حامد (۱۳۹۵)، «بحران تقابل و موازنه قدرت در سیاست خارجی ایران و عربستان سعودی»، ماهنامه پژوهش ملل، دوره دوم، شماره ۱۵، اسفند.
- رجاء، علی اصغر (۱۳۸۷)، «جنبش‌های اسلامی و مقایسه آن با حرکت طالبان»، فصلنامه طلوع شماره ۸۹.
- رضا خواه، علی‌رضا (۱۳۹۲)، «اعترافات شورشیان داعش به ارتباط مستقیم با ریاض»، روزنامه خراسان، دوشنبه، ۱۳۹۲/۱۰/۳۰، شماره ۱۸۶۰۳.
- روزنامه جام جم (۱۳۹۵)، *جام سیاست*، سه شنبه، ۲۷ مهر، شماره ۱۹، تهران.
- الزین، شیخ احمد (۱۳۹۴) «داعش، ثمره وهابیت»، پژوهشنامه نقد وهابیت، سرج منیر، سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز.
- ساعی، احمد و علیخانی، مهدی (۱۳۹۲)، «بررسی چرخه تعارض در روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی با تأکید بر دوره ۱۳۹۲-۱۳۸۴»، فصلنامه علوم سیاسی، سال نهم، شماره بیست و دوم، بهار.
- سجادی، سید عبدالقیوم (۱۳۸۰)، *جامعه شناسی سیاسی افغانستان: قوم، مذهب و حکومت*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه.
- سعید نسب، سید هاشم (۱۳۸۹)، «بحران بحرین»، پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۵، قم، جامعه المصطفی العالمیه.
- سیمبر، رضا (۱۳۹۴)، «انقلاب اسلامی و صلح سازی برای مدیریت جهان عاری از خشونت بایسته‌ها و چالش‌ها»، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۷.
- شفیعی، حسن، مهرور، مهدی (۱۳۹۱)، «جهانی‌شدن و گسترش شبکه‌های بنیاد گرایی سلفی»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۱۹.
- صائب، عبدالمجید (۱۳۸۵)، *چهره واقعی وهابیت*، ترجمه حبیب روحانی، مشهد، آستان قدس رضوی

- صفاری انارکی، محمد (۱۳۹۴)، «عوامل سبب ساز واگرایی در روابط ایران و عربستان؛ با تأکید بر حادثه منا»، ماهنامه پژوهش ملل، دوره اول، شماره یکم، دی ماه.
- عابدی اردکانی، محمد (۱۳۹۵)، «اسلام سیاسی انقلاب اسلامی و جهان عاری از خشونت»، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۹، پاییز.
- عسگریان، عباسقلی؛ شیروند، صارم؛ نجفوی ترکمان، مجید؛ ادیب سرشکی، میلاد (۱۳۹۴)، «تحلیل گفتمانی نگاه بازیگر آمریکایی و ایرانی به مفهوم تروریسم»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره دوم، تابستان.
- غفاری هشجین، زاهد و علیزاده، قدسی (۱۳۹۰)، «مؤلفه‌های اساسی بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی(ره)»، دو فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال اول، بهار و تابستان، شماره اول.
- فتحی، یوسف (۱۳۹۳)، «نسبت صدور انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی از منظر امام خمینی(ره)»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم، بهار، شماره ۳۶.
- فلسفی، هدایت الله (۱۳۹۰)، *صلح جاویدان و حکومت قانون، تهران، انتشارات فرهنگ، نشر نو.*
- قلخانباز، خلیل (۱۳۹۲)، «عربستان به کدام سو می‌رود؟»، مجله سیاسی - راهبردی بصائر، سال سی ام، شماره ۳۳۷.
- کریمی، سحر (۱۳۹۴)، «نحوه و چگونگی پیدایش و شکل‌گیری گروه‌های تروریستی؛ بررسی موردی دولت اسلامی عراق و شام»، ماهنامه پژوهش ملی، دور اول، شماره ۲.
- لک زایی، شریف، لک زایی، رضا (۱۳۹۵)، «راهکار امام خمینی(ره) برای ایجاد صلح و جهان عاری از خشونت»، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۹، پاییز.
- معصومی، محسن (۱۳۹۴)، «وهابیت و گسترش اسلام تندرو در جنوب شرق آسیا»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات تاریخی جهان اسلام، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان.
- منصور، جهانگیر (۱۳۹۵)، *قانون اساسی جمهوری اسلامی و قانون مدنی، انتشارات دیدار، چاپ چنگاه و سوم، تهران.*
- منصوری مقدم، محمد (۱۳۹۱)، «مؤلفه‌های هویت و تأثیر آن بر سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال نوزدهم، شماره هفتاد و دو.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۷)، *صحیفه‌ی امام، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم نشر و آثار امام خمینی، ج ۱۹.*
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۷)، *صحیفه‌ی امام، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم نشر و آثار امام خمینی، ج ۱۵.*
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۷)، *صحیفه‌ی امام، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم نشر و آثار امام خمینی، ج ۱۳.*
- ناظمی قره باغ، مهدی (۱۳۹۰)، «وهابیت در جهان اسلام پس از ۱۱ سپتامبر»، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
- Allen, John R, Quilliam, Neil, (2014-15), *The Fight against ISIS: Reviewing Us strategy*, Chatham house, the royal institute of international affairs: 3-5.
- Al-Rasheed, Madawi, (2002), *A History of Saudi Arabia*, London, Cambridge University Press.

- Atran, Scott, (Spring 2006), The Moral Logic and Growth of Suicide Terrorism, The Washington Quarterly.
- Bin Ali, Mohamed, Bin Sudiman, Muhammad, (2016), "Salafis and Wahhabis: Two Sides of the Same Coin," Rsis, S. Rajaratnam School of International Studies, No. 254, October 11, Available at:
<https://www.rsis.edu.sg/wp-content/uploads/2016/10/CO16254.pdf>
- Blanchard, Christopher M. (2009). "Islam: Sunnis and Shiites," Congressional Research Service, Available at:
<https://fas.org/irp/crs/RS21745.pdf>
- Bunzel, Cole, (2017), "Jihadism on It 's Own Terms," A Hoover Institution essay, May 17, Available at:
http://www.hoover.org/sites/default/files/research/docs/jihadism_on_its_own_terms_pdf.
- Englund, Scott, Stohl, Michael. (2015), "The World vs. Daesh: Constructing a Contemporary Terrorist Threat" The Constructions of Terrorism Conference, The Orfalea Center for Global & International Studies, University of California, Santa Barbara, December 3-4: 2-6.
- Fauzi Abdul Hamid, Ahmad, (2016), "ISIS in Southeast Asia: Internalized Wahhabism is a Major Factor," ISEAS, Yusof Ishak Institute, May 16, No. 24.
- Giorjis, Dawit W. (2016), "The Wahhabi Invasion of Africa", Available at:
http://www.ethiomeia.com/1010ideas/the_wahabi_invasion_of_africa.pdf
- Giusto, Hedwing, (2016), Daesh and the terrorist threat: from the Middle East to Europe, FEPS-Foundation for European Progressive studies: 7.
- Katzman, Kenneth. (2016), "Iran's Foreign Policy," Congressional Research Service, Available at: http://www.parstimes.com/history/crs_iran_foreign_policy.pdf
- Knowlth, Tom, (2008), Zawaheri-not Binladan- is the Toptarget, Available at: <http://www.Sullivan.country.com/z/sfit.htm>.
- Lin, Christina. (2015), "ISIS and the Saudi Wahhabi Threat to Asian Security" ISPSW Strategy Series: Focus on Defense and International Security, No. 361
- Qadhi, Yasir, (2014), on salafi Islam, Salafi publishing houses: 12-18.
- Wendt, Alexander (1992), "Anarchy is what States make of It: The Social Construction of Power Politics", International Organization, Vol. 46, No. 2.
- Wendt, Alexander (1995), "Constructing International Politics", International Security, Vol. 20, No. 1.
- Wynbrandt, James, (2004), A brief History of Saudi Arabia, New York: Checkmark Books.